

پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام

دکتر شهزاد دوردان نخستین اسلام

نیسفون (مدائن) که در اواخر نیمه اول قرن دوم هجری بوسیله ابوجعفر منصور دومین خلیفه عباسی بنا گردید و فاصله زمانی بین دوران سلطنت شاپور اول (۲۷۲ م) و بنای شهر بغداد از چهار قرن تجاوز می کند بنا بر این چگونگی معقول است شاپور اول در بغداد کتابخانه تأسیس کرده باشد که تا عهد طغرل بجای مانده است ولی مورخ شهیر اسلامی صلاح صفوی در کتاب عیون التواریخ (۲) و یاقوت حموی در کتاب معجم الادباء بهنگام شرح حال شاعر و نویسنده ای بنام قاسم بن ناقیا متوفی بسال ۴۸۵ هجری می گویند که شاپور وزیر کتابخانه در بغداد بساخت و آنرا دارالعلم ناسید (۴) و محل آن همانگونه که در مقاله گذشته گفتیم بین دویاروی شهر بغداد بوده که یکی را السور الداخلی و دیگری را السور الخارجی می گفته اند تا مردم شهر بتوانند در برابر حمله دشمن استقامت کنند و شهر از خطر سیل و ویرانی نیز در امان بماند و

پیش از آنکه پیرامون مؤسسات آموزشی قرنهای نخستین اسلام سخن بگوئیم در تکمیل گفتار گذشته درباره کتابخانه های مهم این دوره باید اضافه نمود که دومین کتابخانه بزرگ پس از بیت الحکمه مأمون کتابخانه بوده که آنرا فتح بن خاقان وزیر متوکل دهمین خلیفه عباسی در بغداد تأسیس کرد (۱) و نکته دیگری که تذکر آن در اینجا ضروری سینماید رفع اشتباهی است که در مقاله گذشته رخ داده و آن موضوع کتابخانه ای است که در اواخر قرن چهارم در بغداد بوسیله شخصی بنام شاپور بن اردشیر تأسیس گردید و گویا تشابه نام مؤسس با شاپور اول پسر اردشیر بسایگان سردودمان سلاطین ساسانی موجب گردیده که برخی از پژوهندگان معاصر با اشتباه گمان کرده اند که این شخص همان شاپور اول پادشاه ساسانی است (۲) و این نظریه حدسی است بی اساس زیرا بغداد شهری است جدیدالاحداث در کنار

این کتابخانه پس از حمله طغرل شاه سلجوقی به بغداد دچار حریق گردید و شاید هم‌مشاء این اشتباه روایت دائرة المعارف اسلامی (در ذیل کتیب خانه) باشد که بطور اطلاق می‌گوید شاپور بن اردشیر کتابخانه در بغداد تأسیس کرد و مطلق باصطلاح علمی منصرف به فرد اکمل آن است ولی کلمه بغداد خود قیدی است که نه تنها مفهوم لفظ را اطلاق خارج می‌کند بلکه آنرا بمصداق معین منحصر می‌سازد و غفلت از این قید هر پژوهنده را دچار تردید و اشتباه می‌سازد، و نگارنده هم ابتدا دچار این لغزش گردید که تدارک آنرا بر خود لازم شمرد پس از این توضیح به بحث پیرامون مدارس مشهور دوران نخستین اسلام پرداخته و فهرست وار از آنها نام می‌بریم.

چنانچه بیخولیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی سخن بگوئیم باید از مساجد که نخستین پایگاه تعلیم و تربیت مسلمانان بوده آغاز سخن نمائیم و اجمالاً در مقالات گذشته خاطر نشان ساختیم که مساجد در قرنهای نخستین اسلام تنها مرکز پرستش و عبادت ذات اقدس احدیت و پروردگاری همتا نبوده بلکه مجمع مسلمانان برای رتق و فقق امور دنیوی نیز بوده است لذا تعلیم و تربیت که یکی از برنامه‌های مهم اسلام بشمار می‌آید در مساجد انجام می‌گرفت و رفته رفته اماکنی وابسته بمسجد برای آموزش که از نظر رهبر و پیشوای جهان اسلام در درجه اول اهمیت قرار دارد اختصاص یافت و این سنت هنوز کم و بیش در مدارس قدیم کشورهای اسلامی پا برجاست و ایران اسلام چه در گذشته خود و چه در عصر اسلامی از این نعمت بزرگ آسمانی برخوردار

بوده و می‌باشد و پیش از ذکر نام مدارس قدیمه در ایران اسلامی بعنوان نمونه از چند مسجد جامع که در شهرهای بزرگ و معروف این کشور که سرکز اشاعه فرهنگ و دانش بوده و شخصیت‌های برجسته و دانشمندان ناسور اسلامی در آنها بتدریس و تعلیم اشتغال داشته‌اند نام می‌بریم.

۱- در سیستان یکی از فرمانداران عرب بنام عبدالرحمن بن سمره (قرن اول هجری) مسجد آدینه‌ای ساخت که حسن بصری عالم معروف قرن اول و دوم هجری در آنجا سرگرم تدریس و تعلیم بود و همچنین ابن فقیه در سیستان و بلخ و هرات مساجد زیادی را اسم می‌برد که در آنها فقها برای تدریس حاضر می‌شدند و این رویه تا به امروز در بین فقهای ایران سرسوم است و غالباً در مساجد یا شبستانهای مدارس قدیمه که نقش مسجد هم دارد حلقه‌های درس خود را تشکیل می‌دهند و در مشهد مقدس و حوزه علمیه قم و اصفهان و شیراز و یزد و دیگر شهرهای ایران مدارس قدیمه همچنان معمور و برپا است و در آنها طلاب به تحصیل معارف اسلامی اشتغال دارند و ذکر نام یک یک آنها از حوصله گفتار ما خارج است و خود نیاز به بحثی جداگانه دارد. (۴)

۲- نیشابور که یکی از مراکز مهم سیاسی و علمی خراسان بشمار می‌رفت و در عصر طاهریان (۲۱۳-۲۵۹) باوج شکوفائی علمی رسید و از اینجهت می‌توان عصر طاهریان را در نیشابور بعصر اول عباسی در بغداد که عصر طلایی فرهنگ و معارف اسلامی نام گرفته تشبیه کرد و از مساجد معروف قدیم نیشابور «جامع منیعی» و «مسجد مطرزی» است و در

جامع منبغی کتابخانه معتبری وجود داشته که بسال ۵۴۸ هجری بهنگام حمله غزنان شهر نیشابور بغارت رفته است .

۳ - شیراز ، در مسجد جامع عتیق این شهر حلقات دروس دینی تشکیل می شده است .

۴ - کرمان ، در بردسیر این شهر مسجد بزرگی بنام «جامع تورانشاهی» وجود داشت و بر در آن کتابخانه بنا شده بود که در آن بیش از پنج هزار مجلد کتاب نگهداری می شد .

۵ - یزد ، علاءالدوله کالنجار از اسرای دوره سلجوقی در این شهر مسجدی ساخت که جامع قدیم نام دارد و تا قرن نهم هجری مورد استفاده اهل فضل و طلاب علوم قدیمه بوده و از آن تاریخ ببعده روبه ویرانی نهاده و اخیراً وزارت فرهنگ و هنر نگهبان میراث فرهنگی ایران کهن به مرمت آن همت گماشت .

و از حلقه های درس معروف این دوره یکی آنست که شیخ ابو محمد عبدالله الجوینی پدر امام الحرمین جوینی متوفی بسال ۴۳۸ هجری در نیشابور داشت و دیگر حلقه درس ابوتراب عبدالباقی مراغی که در همین شهر تشکیل می شد و همچنین مجلس درس نطفویه متوفی بسال ۴۲۳ ه . که در مسجدانبارین در واسط بین اهواز و بصره تشکیل می شد و

همه دانشمندان اسلامی خواه ایرانی یا غیر ایرانی به پیروی از سنت رسول گرامی که پس از ادای هر فریضه بر ستون حنانه تکیه می زد و مسلمانان را با تعالیم قرآن کریم آشنا می ساخت آنان نیز مسجد را در درجه نخست مرکز تدریس و تعلیم علوم دینی قرار داده و حتی بهنگام حضور در جلسه درس استاد و شاگرد از باب حضور قلب و احترام به حلقه درس وضو می ساختند و اینگونه به تعلیم و

تعلیم مسائل دینی می پرداختند و بالنتیجه فضائل اخلاقی و کمالات نفسانی که از آیشخور قرآن کریم سیراب می گشت پابپای محفوظات علمی پیش می رفت و از آنان رجالی پرورش می داد که خدمات علمی آنان تا باسروز چون شمع فروزان فراراه کاروان تمدن بشری قرار دارد بویژه ایرانیان صدر اسلام که در راه نشر فرهنگ معارف اسلامی چون ستارگان درآسمان علم و فضیلت درخشیدند .^(۱)

و اینک می پردازیم بذکر مدارس معروف ایران در دوران نخستین اسلام ، اصولاً تاریخ بناء مدارس اسلامی را در ایران باید بدو دوره تقسیم کرد ، دوره پیش از ایجاد مدارس نظامیه که بسعی و اهتمام وزیر دانشمند ملکشاه سلجوقی ، نظام الملک طوسی بنا گردید و برای مطالعه درباره این مدارس شایسته است خوانندگان گرامی به بحث دانشگاهی و محققانه آقای دکتر نورالله کسایی استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که بعنوان پایان نامه دکتري در فرهنگ عربی و علوم قرآنی تألیف و تدوین کرده اند مراجعه نمایند . و ما در اینجا فقط به ذکر نام مدارس دوره مقدم بر عهد نظام الملک اکتفا می نمائیم .

۱ - خراسان

در قرن چهارم هجری در ده طابران از توابع طوس برای الحاتمی دانشمند وقیبه معروف متوفی بسال (۳۹۶ ه) ایجاد شد .

۲ - نیشابور

دراین شهرکه از سراز بزرگ علمی ایران و جهان اسلام آن روز بشمار میرفت چند مدرسه مشهور وجود داشت از آنجمله است مدرسه بیهقیه که امام ابوالحسن محمدبن

شعیب بیهقی شافعی متوفی بسال (۳۲۴ هـ) درکوی سیار نیشابور بناکرد و یکی از فقهای معروف شافعی بنام اسعدبن مسعود عتبی نیشابوری دراین مدرسه ساکن بود و مجلس درس وی در جامع منبئی تشکیل می‌شد^(۷) و امام‌الحریمین ابوالعالی عبدالملک جوینی متوفی بسال (۴۷۸ هـ) استاد حجة‌الاسلام غزالی در همین مدرسه نیز نزد ابوالقاسم اسکاف اسفراینی علم اصول می‌آموخت^(۸) و دیگر از مدارس مشهور اسلامی که تا اواخر قرن ششم هجری در نیشابور معور و پایرجا بود سه مدرسه را می‌توان نام برد یکی مدرسه صاعدی است که ابوسلیمان قندق‌بن‌ایوب جد ابوالحسن بیهقی مؤلف تاریخ بیهقی در آن‌فقه تدریس میکرد و دومی مدرسه سعیدیه است که امیرنصر سبکتکین برادر سلطان محمود - غزنوی آنرا بسال ۳۸۹ هجری بناکرد و سومی مدرسه صابونیه بود که پیش بنای مدرسه نظامیه بغداد در نیشابور وجود داشت^(۹) و ناگفته نماند که پیش از تأسیس نظامیه بغداد نخستین مدرسه نظامیه در نیشابور بفرمان نظام‌الملک بناگردید^(۱۰) و نکته دیگر آنکه غیر از مدرسه سعیدیه امیرنصر سبکتکین مدرسه دیگری بهمین نام دراین شهر بوسیله صوفی و واعظ و عارف استرآبادی اسماعیل بن علی بن المثنی ابوسعید متوفی بسال ۴۴۰ هـ بنا شد^(۱۱)

۳ - بیهقی

دراین شهر که از توابع سبزوار است مدرسه بوسیله خواجه امیرک از اعیان قرن چهارم بنا شده بود یعنی پیش از بنای نظامیه بغداد^(۱۲) و از آنچه گفته شد معلوم میشود که بنای مدارس اسلامی در ایران مدتی پیش از نظام‌الملک و قبل از افتتاح نظامیه

بغداد (سال ۴۰۹ هجری) در ایران معمول بود و بنابراین قول برخی از مورخان مانند ابن خلکان و یا بعضی از متأخرین کسه نظام‌الملک سلجوقی را نخستین بانی مدارس اسلامی پنداشته‌اند مردود و غیر قابل قبول است^(۱۳) و مؤید این مطلب مدرسه ابوحاتم بستی متوفی بسال ۳۴۰ هجری است که آنرا در زادگاه خود بناکرد و حجره‌هایی برای سکونت طلاب در آن تعبیه نمود و موقوفه برای مخارج آنان اختصاص داد^(۱۴) و مقارن همین ایام پیروان مذهب شافعی مدرسه خاصی برای فقیه ابوعلی حسین بن علی الحافظ‌الکبیر متوفی بسال (۳۴۹ هـ) بنا کردند^(۱۵) و جالبتر از همه آنکه ایرانیان در تأسیس مدارس اسلامی نقش رهبری داشتند و همانگونه که ملاحظه نمودیم اکثر مدارس قرنهای نخستین اسلام در ایران و بدست ایرانیان بنا شد و حتی مدرسه نظامیه بغداد که بعدها الگوی سایر مدارس در همه کشورهای اسلامی گردید به دست یا کفایت خواجه نظام‌الملک سلجوقی بنا شد و پیش از آنکه رقبات و موقوفات و شرایط خاص برای پذیرش دانشجو در مدارس نظامیه تعیین گردد و برای استادان مراتب و درجات علمی بوجود آید و تعلیم و تربیت اسلامی که از سنت رسول ختمی مرتبت الهام می‌گیرد دارای دستورات اخلاقی بوده و بر فضیلت و تقدیس دانش متکی و استوار است و در مقالات گذشته شمه پیرامون آداب معلم و متعلم بعرض خوانندگان گرامی رسید و در اینجا یاداب و رسوم و احراز شرائط صلاحیت تعلیم و تعلم در مدرسی که از آنها یاد شد باختصار اشاره مینمائیم :

الف - استاد برای احراز مقام شامخ

استادی باید واجد شرائط زیر باشد

۱ - نخستین شرط آن است که مشایخ و استادانش صلاحیت تدریس وی را تصویب نمایند .

۲ - باید که فقط به کار تعلیم و تربیت مشغول باشد و از هرگونه ممارست در کار دیگر خودداری کند باصطلاح امروز استاد تمام وقت باشد ولی با این تفاوت که بدون بستن قرارداد و یا الزام به پیروی از مقررات که متعاقباً تخلف از آن مستلزم زبان و خسارت است استاد بحکم وظیفه مقدس تدریس تمام وقت خود را به تربیت شاگردانش مصروف می‌دارد و اشتغال بهرگونه کار و پیشه دیگر را جایز نمی‌شمرد جز در مواردی که آنهم باز از دیدگاه تعلیمات کیش مقدس اسلام استاد نخواهد از رقیات و درآمد موقوفات مدرسه که برای حقوق طلاب و اساتید آن منظور گردیده استفاده کند ناگزیر برای اسرارعاش مدتی از وقت خود را به کاری که به مقام و منزلت علمی و شئون اجتماعی او لطمه وارد نسازد اختصاص دهد .

۳ - استاد باید که کلیه تلامذه خود را مورد لطف و عنایت قرار دهد و از احوال آنان جويا شود و چون تلمیذی از حضور در حلقه درس غایب شد باستفسار برخیزد و غیبت او را نادیده نگیرد چه این استعطاق و دلجوئی تلامیذ را بر سر شوق آورد و رابطه بین آنان و استاد را تقویت کند .

۴ - استاد باید در افاضه علم هرگز ضنت ننماید و چون احساس کند که شاگردانش درس او را درک می‌کنند و با روش تدریس و کیفیت القاءش خوی و انس گرفته‌اند از اداسه تدریس بانان شانه تهی نکند وهمواره بمناسبت دروس گذشته را بیاد آرد تا بنامثل

معروف‌الدرس حرف و التکرار الف مطالب علمی ملکه شاگردان گردد و گاه‌گاه سؤالاتی را در زمینه تخصص شاگردان در کلاس مطرح کند بدون آنکه شاگرد معینی را مورد خطاب قرار دهد و چون یکی به پاسخ مبادرت ورزید ویر دیگر یارانش سبقت جست او را به تشویق و تحسین دلخوش گرداند و دیگران را به رقابت با او ترغیب و تحریض نماید .

۵ - استاد باید در مجلس درس وقار و متانت خویش را نگهدارد و حلم و بردباری را از نظر دور نسازد و ساحت قدس مجلس درس را حرمت گذارد و از رفتار و گفتار ناشایست بپرهیزد و چون از اوسوالی کنند و تدارک پاسخ مناسب برایش مقدور نباشد با شهامت و گشاده‌روئی سکوت را شکسته و به نمی‌دانم زبان بگشاید و با لحنی آرام باین حقیقت اعتراف کند که همه چیز همه کس دانند و به مثل معروف « لا ادری نصف العلم » ترمز کند ، و استاد باید آداب نشستن را در حلقه درس رعایت کند تا شاگردان را مقتدا و رائد باشد و بیش از حد متداول صدا بلند نکند و وقار و حشمت را در همه حال آنگونه که شایسته مقام یک سرب می است سرعی دارد و رضای خدا و رسول خدا را وجهه همت خود سازد و از خودستایی و عجب خویشتن نگهدارد که « العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء »

۶ - استاد باید در کیفیت تعیین و انتخاب مواد درسی بصیر کامل داشته و الا هم فالاهم را از هم باز شناسد و از عهده تدریس آنها بخوبی برآید تا اعتماد شاگردان را بخود جلب کند و چون باین سیرت متصف شد سخنش پذیرا شود و کوشش تباه و ضایع نگردد .

۷ - استاد باید که حسن تفکر و آزادی

اندیشه و استقلال شخصیت علمی را در شاگردان احیا کند و بهنگام القاء درس از تعریض و تأنیب احتراز جوید تا روح و نام و علاقه باستماع درس بر محیط کلاس حکمفرما شود و چون اشتباه و خطائی از شاگردی سر زند با تدبیر و حزم و دوراندیشی درصدد رفع اشتباه او برآید .

۸ - استاد باید به حضور در حلقه درس مقید باشد و مصلحت شاگردان و اوقات تدریس را بر مصلحت خویشتن مقدم دارد .

۹ - استاد باید تکالیف درسی را مصرا نه از شاگردان خواستار شود و در این راه قصور و اغماض رواندارد و حسن مسئولیت را در آنان بیدار کند که «من طلب العلی سهراللیالی» ب - این جماعه از دانشمندان و سربیان معروف اسلامی در کتاب روانشناسی تربیتی خود بنام (تذکره السامع) شرایط و اوصافی را که طالب علم باید احرار کند تا صلاحیت ورود به حلقه درس استاد بدو داده شود بر وفق اصول و مبانی تعلیمات اسلامی مورد بحث قرار داده که در اینجا به خلاصه آن اشاره می‌نمائیم :

۱ - طالب علم برای انتخاب مدرسه باید در درجه نخست تقوی و پرهیزکاری و حسن سیرت واقف و خانواده او را مورد توجه قرار دهد تا برایش ظن قریب بیقین حاصل شود که رقبات این مدرسه از طریق مشروع تهیه شده است چه مکان تحصیل و کیفیت اسرار معاش در توفیق رسیدن به مقصود و مطلوب نهائی سخت مؤثر است پس دل را که جایگه پرتو فضیلت و تقوی است نباید بحال حرام کدر و تاریک کند .

۲ - گزینش استاد محقق و باتقوی و

شریف یکی از استیازات انتخاب موضع تعلیم است آن استادی که شاگردانش را بجان دوست می‌دارد و از اشخاص متظاهر و بی‌مایه سخت بیزار و متفر است و همواره در پی پرورش استعداد های نهفته و پیشرفت روز افزون سطح معلومات شاگردانش کوشا می‌باشد و چون پدری روحانی و دلسوز آئی از مراقبت و نظارت بر تکالیف درسی شاگردان غفلت نمی‌ورزد و هر ماه یکبار بر حسب مقتضیات و قفنامه چنانچه در این زمینه تصریحی داشته باشد محفوظات شاگردان خود را اختیار و آزمایش کند و تنها به خواندن نبشته و متن اکتفا نکند و به اصطلاح از آموزش سطحی که همراه تعمق و اندیشه نیست اجتناب کند هرگاه در مدرسه استادی این چنین وجود داشته باشد شاگرد باید در انتخاب آن مدرسه درنگ رواندارد که استاد در پرورش و سازندگی شخصیت شاگرد نقش اساسی دارد .

۳ - طالب علم بهنگام انتخاب مدرسه و سکونت در آن خود را با اجرای شرایط و قفنامه ملزم بداند و قبل از هر کس خود را ناظر رفتار خویش سازد که ان‌الانسان علی نفسه بصیره تا اندک اندک به انجام وظائف شرعی خوی گرفته و سرپیچی از التزامات اخلاقی و عرفی را گناه بشمارد و خویشتن را بر آن محاسبه و سرزنش کند .

۴ - طالب علم چون در مدرسه سکونت گزید باید تحصیل و کوشش را وجهه همت خود سازد و جز به مطالعه و مسباحه دروس بکار دیگر نپردازد و بهنگام برگزیدن دوست و هم‌درس باید آن کس را گزیند که در فضیلت و اخلاق و مرتبت فهم و بینش از او برتر باشد و باید بداند که عدم رعایت شرایط و قفنامه

به ناکامی انجامد و گرانبهارترین ایام زندگی یعنی دوره جوانی خود را بیهوده از دست بدهد آنگاه برگزیده افسوس خورد و آب از جوی رفته بجوی باز نگردد و نیز باید بداند که مدرسه برای تعبد و پرستش چون مسجد و ریاضت نفسانی چون خانقاه ساخته نشده و همه اوقات خود را باید صرف تحصیل علم کند جز اوقاتی که بانجام فرائض دینی اختصاص یافته است .

۵ - طالب علم باید به کسانی که در سکونت بر وی سبقت دارد حرمت گذارد و در سلام و تحیت بر آنان پیشی جوید و با ادب و احترام با آنان سخن بگوید و دستور ایزد متعال را کسه فرسود « السابقون اولئک المقربون » بکار بندد و از تعویض مدرسه و انتقال از محلی به محل دیگر اعراض کند که این حالت برای نوآموزخته سخت زیانبخش است و در الفت و انس گرفتن روحیه او را کسل و آزرده می سازد مگر آنکه ضرورت و عدم هماهنگی بین او و دیگر شاگردان انتقال را مباح و اسکان پذیر سازد .

۶ - در برگزیدن محل سکنی اولویت حجره فوقانی مدرسه را رعایت کند تا از هوای آزاد بهره بیشتر برده و در حفظ کردن دروس توفیق بیشتر یابد .

۷ - سعی کند که همیشه جامه پاک و لطیف برتن کند و در نگهداری اثاث شخصی و مستلکات مدرسه اهمال جایز نشمرد .

۸ - بر در مدرسه نشیند که شایسته مقام و منزلت اهل علم نیست و از رفت و آمد بسیار و قدم زدن در محوطه مدرسه اجتناب کند تا وقار و حشمت او بجای ماند .

۹ - به هنگام عبور از برابر حجره دیگران سر بزیار اندازد و بدون اجازه سرزده بر حجره

دیگری وارد نشود و از حرکات نامعقول و سروصدا و سینه صاف کردن احتراز جوید و بهنگام بالا رفتن از پله ها از دریجه حجره که بر آن اشراف یافته سرنکشید بویژه اگر در آن حجره از طبقه اناث سکونت دارد .

۱۰ - شایسته است بهنگام ورود به مجلس درس بر دیگر همگنانش سبقت جوید و سعی کند که در کسوت آراسته و منظم باشد گویند یکی از سربیان قرن چهارم هجری بنام شیخ ابو عمر بن صلاح شاگردی که بمحضر او

سر برهنه و یازولیده حال وارد می شده از تدریس برای او استنکاف می ورزیده و او را از مجلس درس طرد می کرده است (۱) این بود گفتاری کوتاه پیرامون مدارس دوران نخستین اسلام .

(۱) دائرة المعارف اسلامی ، فریید وجدی ج ۸ ص ۶۸ چاپ قاهره ، خوانندگان گرامی برای اطلاع از کتابخانه های مهم مصر در دوران مختلف عصر اسلامی باین دائرة - المعارف مراجعه نمایند .

(۲) کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران ، رکن الدین همایون قرخ ص ۲۸ چاپ وزارت فرهنگ و هنر

(۳) به نقل از کتاب التریبیه و التعلیم فی الاسلام ، دکتر محمد اسعد طلّس ص ۹۹ چاپ قاهره

(۴) معجم الادیاء ، یاقوت حموی ج ۵ ص ۲۹۴ چاپ قاهره

(۶) برای اطلاع از تاریخ حوزه علمیه قم به کتاب حوزه علمیه قم تألیف ابو محمد وکیلی نشریه شماره ۶ مؤسسه مطالعات و

تلفاً صفحه ۱۸۸۳ مطالعه فرمائید

بچه‌های یکی یک دانه

مدرسه مسعود و دوران نخستین اسلام

* برای بچه‌های یکی یک دانه، مخصوصاً کودکان کستانها خیلی مفید هستند در اینجا آنها فرصتی پیدا میکنند که با همسالان خود روابط دوستی برقرار کنند البته بچه‌های یکی یک دانه، به تنهایی توانائی این کار را ندارند و پدر و مادر باید به کمک آنها بشتابند و وسیله این آشنایی و دوستی را فراهم کنند.

* در کودکان کستانها پدران و مادران می‌توانند رشته دوستی و ارتباط کودکان خود را با کودکان دیگر مستحکم کنند این کار هم با ترتیب دادن میهمانی‌ها، و دعوت کردن همبازیهای بچه یا بازدید مشترک در باغ وحش و پارک‌ها ممکن است انجام شود.

* اگر امکان داشته باشد که بچه شما شب در منزل دوستان خود و یا آنها بماند و یا آنکه دوستان خود را بمنزل بیاورد و شب را با آنها بگذارند خیلی خوب و مناسب است.

* روزهای تعطیلات هفته نیز فرصتی است که بچه‌ها با یکدیگر معاشرت کنند و بدین ترتیب رشته ارتباط دوستی آنها محکمتر شود.

کسانی که رعایت این نکات سهم‌پرورشی را کنند، در حقیقت مانع از آن شده‌اند که کودکان گوشه‌گیر و سوزی‌باریابند.

تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران مراجعه نمایید.

(۷) برای اطلاع بیشتر از خدمات ایرانیان بفرهنگ و معارف اسلامی به مجلد اول کتاب ایرانشهر نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران چاپخانه دانشگاه تهران مراجعه نمایند.

(۸) معجم‌الادباء ج ۲ ص ۲۴۳.

(۹) برای اطلاع از شرح حال و آثار ابوالعالی عبدالملک جوینی به مقاله دکتر اسعد شیخ‌الاسلامی استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مجله مقالات و بررسیها نشریه دانشکده شماره نهم و دوازدهم سال ۱۳۵۱ مراجعه نمایند.

(۱۰) تاریخ بی‌هق ص ۲۰۷.

(۱۳) ایرانشهر ج ۱ ص ۷۱۹.

(۱۴) معجم‌البلدان، یاقوت حموی ج ۲

ص ۱۷۱

(۱۵) طبقات الشافعیة ج ۲ ص ۲۱۵

(۱۶) تذکرة السامع ص ۱۹۳ و مابعد آن چاپ حیدرآباد، بحق شرائطی راکه این جماعه برای صلاحیت دانش‌آموز ذکر می‌کند از نظر مسائل آموزشی و روانشناسی تربیتی بیایه است که می‌تواند مورد توجه کارشناسان فرهنگی و اسور تربیتی قرارگیرد.